

سرمقاله

اهمیت همگرایی منطقه ای در مبارزه با تروریسم

محمد رضا هویدا

افغانستان برای مبارزه با تروریسم تنها نیست و در عین حال افغانستان تنها قربانی تروریسم نیز نیست. تروریسم در جهان به خصوص در منطقه کشورهای زیادی را قربانی ساخته است، عراق و افغانستان نمونه های واضحی از قربانیان تروریسم هستند. پاکستان نیز قربانی دیگر تروریسم است، و همه کشورهای منطقه و جهان قربانی بالقوه تروریسم به حساب می آیند که در صورت غفلت تبدیل به قربانیان تروریسم خواهند شد. افغانستان در سالهای گذشته در کنار جامعه جهانی تقلا کرده تا بتواند بر تروریسم غلبه کند و کشوری دارای صلح و امنیت داشته باشد، اما این آرزو هرگز تحقق نیافته است. ریشه ها و زمینه های تدریوی و افراط گرایی و در نهایت تروریسم تحت هر نامی که باشد، در کشورهای مختلف نهفته است، و همین زمینه ها است که سبب می شود، تروریست ها از فرصت استفاده نموده و به مراد خود برسند. اما نقش کشورها و حکومت ها در وارد شدن و ریشه گرفتن تروریسم بسیار مهم و سرنوشت ساز است. کشورهایی که از تروریسم استفاده ابزاری نموده اند و خواسته اند به دیگران ضربه بزنند خود در قدم بعدی قربانیان تروریسم بوده اند. کشورهای که تا خطر دامنگیر خودشان نشده است، اهمیت مبارزه با تروریسم را درک نکرده اند، سرانجام به دام آن افتاده اند. و کشورهایی که اهمیت همگرایی منطقه ای را دست کم گرفته اند نیز هدف گروه های تروریستی شده اند. افراط گرایی و تروریسم ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. مبارزه با افراط گرایی و تروریسم تنها در قالب های کلان به نتیجه خواهد رسید. فعالیت کشورها بدون هماهنگی و کمک کشورهای دیگر نتیجه لازم را در پی نخواهد داشت. مسائیل کلانی همانند افراط گرایی که تهدید جدی برای حاکمیت کشورها می باشد به اندازه پیچیده و بغرنج است که کشورهای جهان را به طور کلی با یکدیگر در ارتباط قرار داده است. به عنوان نمونه، فعالیت گروه تروریستی القاعده به اندازه ای گسترده است که از افریقا تا آمریکا و آسیا، همه را شامل می شود و قاره های مختلف درگیر در مبارزه با این گروه تروریستی هستند. و با گروه تروریستی داعش که بخشی از جهان عرب را غرق در قاعجه و جنگ و خون ریزی کرده است. نقش چین و پاکستان در منطقه در مبارزه با افراط گرایی و تروریسم که دشمنان اصلی ثبات و امنیت در منطقه و به خصوص کشورهای افغانستان و پاکستان و چین می باشد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تروریسم و افراط گرایی هر سه کشور را تهدید می کند. گرچه افغانستان در خط مقدم جبهه جنگ علیه تروریسم است، اما بسیار واضح است که هم پاکستان وضعیت مشابه افغانستان را دارد و هم چین به دلایلی در خطر نفوذ افراط گرایی و تروریسم می باشد.

حکومت وحدت ملی به اهمیت روابط خارجی با کشورهای همسایه تاکید دارد و به همین جهت نیز، سفرهایی به کشورهای مهم منطقه توسط مقامات عالی رتبه کشور انجام شده است. قرار گرفتن افغانستان و پاکستان برای دستیابی به صلح و ثبات در افغانستان و جلوگیری از نفوذ و گسترش بیشتر افراط گرایی و تندروری در منطقه می تواند وضعیت جدیدی را در منطقه شکل دهد که افراط گراییان با قدرت هماهنگ سه کشور روبرو شود. البته این می تواند به معنای قدرت یافتن کشورهای منطقه به خصوص چین در نقش یافتن در مسائیل مهم افغانستان و منطقه نیز باشد، که در موزات روند گفتگوها و مذاکراتی باشد که توسط قدرت های دیگر جهانی در کشورهای عربی پیگیری می شود. افغانستان در این صورت می تواند به ابزارهای بیشتری برای رسیدن به صلح دست یابد. افغانستان در صورتی که بتواند زمینه های داخلی افراط گرایی را از بین ببرد و با آن مبارزه کند، از توان منطقه ای و هماهنگی کشورهای همسایه در مبارزه با تروریسم بهره گیرد.

نخستین نشست سه جانبه ای؛ افغانستان، چین و پاکستان

عبدالرحمن فهیمی

بر اتهام زنی در مورد «تمویل و حمایت» از جریان های تروریستی جهت ضربه زدن به امنیت ملی شان بوده است. اما سخن زدن از نقش چین در مورد گفت و گوهای سیاسی با گروه طالبان و در نهایت تامین صلح و فضای امن در کشور، جدید می نماید. این مبحث، پس از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی و پس از این که گزارش های تأیید نشده مبنی بر گفت و گوهای پنهانی آقای غنی با گروه طالبان به نشر رسید، در عرصه سیاست کشور مطرح شده است. عمدتاً خوش بینی جدی در مورد نقش چین در عرصه گفت و گوهای سیاسی وجود دارد. حکومت افغانستان به عنوان یکی از طرف های اصلی و تحلیل گران و صاحب نظران سیاسی نیز، به تأثیر گذاری و قدرت چین باور مند بوده و «خوش بین» به نظر می رسند.

به نظر این نگارش، دو مبحث باعث می شود که همه عمدتاً به نقش چین در گفت و گوهای سیاسی با گروه طالبان و در نهایت تامین صلح و فضای امن در کشور خوش بین باشند. ۱. مبحث نخست: چهره نیک چین جمهوری خلق چین، به عنوان کشوری دارای چهره نیک در سطح منطقه مطرح است. تا زمان که بر اساس «ایدئولوژی ماتوئیستی» سیاست انزواگرایی و ترک مناسبات جهانی رفتار می کرد، درگیر رقابت های نظامی و سیاسی منطقه ای نبود و پس از آن که سیاست های «درهای باز» را روی دست گرفته است نیز درگیر رقابت های منطقه ای نیست. یکن با پذیرش قوانین، هنجار و نهادهای مهم بین المللی، تعاملات اقتصادی را با همه کشورهای جهانی و منطقه ای حتی ایالات متحده آمریکا شروع کرد. از کشورهای جهان سومی و توسعه نیافته، مواد خام خریداری می کند و کالاهای تجارتي اش را بدان جا صادر می کند و با کشورهای غربی نیز داد و ستد اقتصادی را هم رز و بدل کرده اند که عمدتاً مبنی

گفت و گوهای سیاسی با گروه طالبان، مدت ها و سال هاست که به عنوان «مبحث و گفتمان مسلط» در کشور است. حامد کسزری رییس جمهور قبلی، در دور دوم ریاست جمهوری اش، گفت و گوهای سیاسی با گروه طالبان را به عنوان مبحث مسلط حکومت مطرح کرده و تمامی انرژی و هدف سیاسی کشور را به آن سمت جهت داد. تلاش های آقای کرزی بدون دستاورد پایان یافت. تلفات و قربانی های بی شماری داده شد، اما، دستاورد محسوس بدست نیامد. آقای غنی رییس جمهور کنونی، ظاهراً که همان راه کسزری را دنبال می کند. گرچند در دیگر عرصه ها تفاوت های کاری و رفتاری به چشم می آید، اما در این عرصه، تشابه جدی به چشم می خورد.

آقای غنی، نخستین سفرش را به عربستان سعودی رقم زد. هم به تعهد انتخاباتی اش وفا کرد و هم گفت و گوهای را با مقام های سیاسی کشور سعودی به عنوان یکی از کشورهای تأثیرگذار بر جریان های دینی -افراطی، انجام دهد، بعداً به چین سفر داشت و دارد که به توافقات سیاسی دست یافته است.

روز گذشته، کابل میزبان نشست سه جانبه سیاسی بود. نشست سه جانبه میان افغانستان، چین و هند، برگزار شد. گرچند این نشست دور از چشم رسانه ها و به صورت محرمانه برگزار شده است، اما گفته می شود که نشست مؤثر و تأثیر گذاری بوده و سه کشور به توافقات مهم دست یافته اند.

در پیوند با گفت و گوهای سیاسی حکومت کابل با گروه طالبان، نقش پاکستان همواره مورد بحث بوده است. مناسبات سیاسی کابل و اسلام آباد بارها برسر این مبحث به تنش رسیده و دو طرف الفاظ رکیکی را بین هم رد و بدل کرده اند که عمدتاً مبنی



۲. مبحث دوم: تأثیرگذاری چین روی پاکستان چین و پاکستان، روابط گرم و صمیمی داشته اند و دارند. چین هر از گاهی کمک ها و همکاری های به پاکستان می کند و پاکستان نیز که گاهی به چین تکیه می کند و حتی که گاهی به افغانستان نیز توصیه می کند که به چین تکیه کند. به هر حال، چین نقش جدی در پاکستان دارد. از این رهگذر، رویکرد وارد کردن چین در عرصه گفت و گوهای سیاسی را باید ستود. حکومت افغانستان محاسبه خوب و دقیقی کرده است. نشست سه جانبه میان کابل، پکنینگ و اسلام آباد برگزار شد و باید نشست های دیگری برگزار گردد. از آن جای که این نشست دور از چشم رسانه ها برگزار شده است، به نظر می رسد که مباحث جدی مطرح شده است. به نظر می رسد که حکومت افغانستان جهت جلب بیشتر توجه پکن، دو گام مهم را بردارد: (اول) اطلاعات و داده های نظامی و امنیتی فعالیت های تروریستان بدست آورده و حساس نمی کند.

نقش کمرنگ منافع ملی در سیاست کشور

عبدالله هروی

در داخل می داند. مفهوم منافع ملی هم در تحلیل سیاسی به کار می رود و هم در عمل سیاسی، به عنوان وسیله تحلیل سیاسی حوزه ای است برای تبیین و ارزیابی کفایت و سمت گیری سیاست خارجی یک کشور. در مقام وسیله عمل سیاسی عموماً ابزاری است برای توجیه، تأیید و نفی خط مشی ها و عملکردهای زمامداران. ناگفته نباید گذاشت که منافع از دیدگاه گروه های مختلف فکری متفاوت تعریف و توصیف می شود که پرداختن به این بخش از بحث نظری و عملی خارج از فرصت و ظرفیت نوشتار کنونی است و آن را به فرصت مساعد واگذار می نمایم.

اما نکته مهم در اینجا است با توجه به این که منافع ملی هر کشور از اهداف اساسی و اصلی دانسته می شود و هر کشور و ملتیی آن را در جهت سامان دهی نگرش و عمل سیاسی و اقتصادی سامان دهی می نماید، مفهوم منافع ملی در هرصه سیاست کشور ما دارای چه جایگاهی و نقشی می باشد؟ آیا مفهومی بنام منافع ملی در جامعه و سیاست ما مطرح می باشد؟ محور این منافع ملی چیست؟ تا چه اندازه درباره مفهوم منافع ملی اشتراک وجود دارد و توانسته است نظرها و دیدگاه ها و عمل جریان های سیاسی و اجتماعی کشور را بر محور خود هماهنگ و هم سوی گرداند؟ اگر پاسخ چنین پرسش هایی مثبت است ریشه نابسامانی و تصمیم گیری ها و عمل های پراکنده و نامنسجم که در بسیاری موارد به نفع دشمنان بیرونی و مخالفین برانداز داخلی تمام شده است، در کجاست؟ اگر این ایده را بخواهیم روشنتر بیان نمایم این خواهد بود که پس از اعلام حکومت وحدت ملی اعتراض ها و نگرانی ها و نارضایتی های بسیاری در خصوص تشکیل کابینه و حکومت جدید اعلام گردیده است. این اعلام مواضع در مواردی حتی تا مرز تهدید به ناامنی و بگونه ای که دشمنان نظام سیاسی از آن سود می برند مطرح

گردیده است. چرا چنین است؟ مشکل کار در حکومت است یا نیروهای سیاسی؟ چرا موضع گیری ها و کارکرد ها و سیاست گذاری ها بگونه ای باشد که منجر به چنان نارضایتی های تهدیدآمیز گردد؟ آیا کسانی که چنین تصمیم هایی را اتخاذ می کنند نسبت به پیامدهای آن آگاه هستند؟ آیا کسانی که ناراض هستند و نارضایتی خود را با تهدیدهای امنیتی که منافع ملی را با خطر مواجه می سازد، اعلام میدارند می دانند که زبان کننده نهایی ممکن است خود شان باشد؟ آیا درک نمی کنند که از هم پاشیدگی نظام سیاسی و فرورفتن کشور در جنگ های داخلی هیچ طرفی سودی دربر نخواهد داشت؟ و... طرح چنان پرسش هایی در واقع علاوه بر برون داد واقعیت های آشکار و پنهان در سطوح مختلف جامعه و سیاست کشور، مهجور بودن یا کمرنگ بودن نقش وحدت ملی را در کشور و در سیاست و جامعه ما تیار می دهد. در تبیین موضوع همانطور که گفته شد منافع ملی اصطلاح پرخریداری است که دستکم در حوزه سیاست بر سایر مفاهیم چیره است و سایر واژگان و تعبیرات به تبع آن قاصت راست می کنند. اما در جامعه ما به رغم کاربرد وافر این اصطلاح به ویژه پس از مرحله نوین سیاسی و خصوصاً دولت وحدت ملی، متأسفانه بسیاری از کسانی که آن را به کار می برند، دید روشن و تعریف خاصی از آن ندارند. از جانب دیگر اهمیت شکل گیری مفهوم منافع ملی برای مردم ما به دلیل از هم گسیختگی های تاریخی و اجتماعی و نیاز به همگرایی از جایگاه برجسته ای برخوردار است، زیرا در همه کشورها برای ایجاد ساختاری تحت عنوان منافع ملی، تلاش های فراوان و طراحی های معقولی صورت می گیرد که با مدیریت نخبگان سیاسی و هدایت نیروهای انسانی فرهیخته ممکن می شود. به هرویی بصورت خلاصه می توان گفت، منافع ملی عبارت است از هدف های بنیادینی که کشورها و ملت ها

در یک تعریف ساده و ابتدایی می توان گفت که منافع ملی هدایت کننده اصلی سیاست کشورها می باشد، افزایش قدرت و گسترش آن جهت کسب منافع ملی چراغ راهنمای سیاست خارجی دولت ها است، حکومت ها در پی افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در هرصه داخلی و خارجی می باشند و در این راه به ابزارها و شیوه های متفاوتی متوسل می شوند و در روابط و مناسبات خود با دیگر کشورها به اشکال گوناگونی رفتار می کنند. بدین منظور کشورها و دولت ها به شیوه های متنوع رفتار سیاسی مانند عدم تعهد، انزوا و بی طرفی، اتحاد وائتلاف با دیگران برای رسیدن به مقاصد و اهداف ملی دست می زنند تا در شرایط متغیر و سیاسی بین المللی ایفای نقش کنند.به معنای دیگر امروزه منافع ملی توجیهی است برای خواست های بین المللی به گونه ای که هر گاه دولت ها درصدد اتخاذ تصمیم و سیاستگزاری خارجی برای اهداف ملی خویش باشند، می کوشند آن را در چارچوب منافع ملی خویش توجیه کنند. اصطلاح منافع ملی را نخستین بار در اروپا مطرح شد. مفهوم منافع ملی مشتمل بر دو جز «منافع» و قید وصفی «ملی» در واقع دستاورد تحولاتی است که بدنبال انقلاب صنعتی و دموکراتیک در غرب بوجود آمده، مفهوم منافع ملی به ترتیب در قرن شانزدهم در ایتالیا، قرن هفدهم در انگلستان، قرن هیجدهم در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا به کار گرفته شده است. واژه هایی چون «اراده شاهانه»، «منافع نظام شاهنشاهی» و «بالاخره» ملاحظیات عالیه کشوری «در قرون فوق از کاربردهای گذشته مفهوم منافع ملی بوده اند. بگفته برخی از آگاهان علوم سیاسی از لحاظ نظری، مفهوم منافع ملی را اولین بار چارلز ببرد وارد متون تخصصی روابط بین الملل کرده. وی منافع ملی را تبلور و جلوه خارجی منافع همومی

منافع ملی هدف اصلی همه کشورها در سیاست خارجی و تحکیم آن ها در هرصه داخلی می باشد. اندک موری و مطالعه گزرا بر چگونگی سیاست گذاری و تعامل های داخلی و خارجی کشورها و دولت ها نشان از آن دارد که هدف نهایی همه سیاست گذاری ها و فعالیت ها در راستای تأمین و تحقق منافع ملی کشور است. اما به میزانی که این اصطلاح حایز اهمیت بوده و مورد توجه می باشد در بسیاری از موارد به همان اندازه دارای ابهام و پیچیدگی زیادی است که تعریف و رعایت آن را مشکل می سازد.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پستی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حقیقت الله زکی
کارکاتوریست: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بومالی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۲

افغانستان The Daily Afghanistan
Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Magazine